

بررسی ویژگی‌های هنری شاهنامه بایسنقری

○ مجید نجف‌پور

شاهنامه بایسنقری، نسخه‌ای از شاهنامه فردوسی به خط جعفر تبریزی بایسنقری، این نسخه منحصر به فرد مصور و مذهب که از شاهکارهای هنر دوران اسلامی به شمار می‌آید در کتابخانه سلطنتی سابق در موزه کاخ گلستان (در تهران) نگهداری می‌شود. قطع آن ۳۸×۲۶/۵ سانتیمتر، در ۳۴۶ ص با ۲۱ صفحه نگارگری، شمشه‌دار و مجلد است که به خط خوش نستعلیق نوشته شده است.

کتابت شاهنامه بایسنقری را جعفر بن علی تبریزی معروف به بایسنقری شاگرد خواجه میرعلی تبریزی^۱ به فرمان بایسنقر غیاث‌الدین (۸۰۲-۸۳۷) که شاهزاده باذوق و هنرپرور و ادب‌دوست بود، به عهده گرفت که از سال ۸۲۹ تا ۸۳۳ به طول انجامید.^۲ به موجب شرحی که در مقدمه شاهنامه بایسنقری دیده می‌شود، نسخه‌برداری آن براساس چندین متن از بیت‌های الحاقی و تلوین شاهنامه‌ای مبتنی بر تحقیق نبوده است و به همین دلیل از ابیات جعلی و غیراصل برکنار نیست.

شماره بیت‌های این شاهنامه بیش از ۵۸۰۰۰ بیت می‌باشد که در عدم اصالت برخی از آنها تردیدی نیست. آنچه درباره زندگی فردوسی در مقدمه آن آورده شده است جز افسانه‌های جعلی عامیانه نیست که نه سندیت دارد و نه با رویدادهای تاریخی منطبق است. از آن جمله اینکه فردوسی، عنصری و فرخی را با رودکی هم‌زمان دانسته و به نظم درآوردن شاهنامه مشور ابومنصور (ابومنصور - عبدالرزاق) را به فرمان یعقوب لیث دانسته است. نیز هجوتامه‌ای پر از ابیات سست و ساختگی را از فردوسی می‌داند که به هیچ روی پذیرفتنی نیست. هر برگ کتاب به استثنای صفحات مصور از ۶ ستون و ۳۱ سطر

می‌کرد.^۳ و سرآمد چهل کاتب و خوشنویس کتابخانه او بود.^۴ یکی از عوامل تجدید رونق خطوط متداول در ایران قرن نهم وجود میرزا جعفر بود. او با تربیت شاگردانی در انواع خطوط به توسعه و پیشرفت خطاطی در ایران کمک کرد. شاگردان معروف او عبارتند از: اظهر تبریزی در خط نستعلیق، شیخ محمود زرین‌قلم در خفی‌نویسی، عبدالحی منشی استرآبادی در خط تعلیق و مشهورترین شاگرد او که در ضمن داماد او نیز بود عبدالله طباطبائی هری که در خط اصول سرآمد بود.^۵ میرزا جعفر علاوه بر خطاطی شعر هم می‌سروده: ترکیب‌بندی که در رثای بایسنقر میرزا برای تسلیت به شاهرخ سروده، هم هنر شاعری او را می‌نمایاند و هم معرف مقام شاعر نژاد شاهرخ است.^۶

آثار به جامانده از او برخی در ایران و بسیاری نیز در کتابخانه‌های جهان پراکنده است. مهمترین آنها عبارتند از: شاهنامه بایسنقری که به خط نستعلیق و در ۸۳۳ به فرمان بایسنقر میرزا کتابت شده و هم‌اکنون در کتابخانه موزه کاخ گلستان (ش ۴۷۵۲) موجود است، دیوان اشعار حسن دهلوی که در ۸۲۵ به دارالسلطنه هرات تقدیم شده و در کتابخانه مجلس (ش ۴۰۱۷) موجود است و نسخه‌ای از کلیات همام تبریزی به خط نستعلیق که در ۸۱۶ کتابت شده و در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود. در این نسخه او به نام میرزا جعفر تبریزی خوانده شده، زیرا که هنوز به دربار بایسنقر راه نیافته بود.^۷ نسخه‌ای از دیوان حافظ به خط نستعلیق در موزه آثار اسلامی و ترک در استانبول و نسخه‌ای از گلستان سعدی (ش ۱۱۹) نیز از او به جای مانده است.^۸

وی از نخستین استادان خط نستعلیق در قرن نهم و خطاط شاهنامه بایسنقری می‌باشد، تاریخ ولادت و وفاتش بدرستی معلوم نیست ولی از آثار و خطوط برجامانده از او پیداست که بین سالهای ۸۱۶-۸۵۶ هـ. ق در قید حیات بوده است.^۱ اصلاً از مردم تبریز بود اما بدلیل اقامت طولانی در هرات به «هروی» معروف شده است.^۲ از هرات به ماوراءالنهر سفر کرد و سه سال در بلخ ماند، سپس به خوارزم رفت و یک سال در سمرقند اقامت گزید و در بخارا درگذشت.^۳ میرزا جعفر از توجه و حمایت شاهزاده بایسنقر میرزا برخوردار بود و به او انتساب داشت.^۴ لقب دیگرش عین‌الاعیان بود و سلطانعلی قاینی، در خطی که در ۹۱۴ نوشته او را «قبلة‌الکتاب» و «کمال‌الدین» نامیده است.^۵ میرزا جعفر در رواج خط نستعلیق کوشش بسیار نمود و در اندک مدتی آن را مقبول عام و خاص کرد.^۶ او این خط را از استاد به واسطه خود میرعبدالله فرزند میرعلی تبریزی (هروی) آموخت و در آن از بانی نستعلیق، یعنی میرعلی نیز برتر شد.^۷ او را شاگرد مولانا شمس‌الدین دانسته‌اند و در «خط اصول» شاگرد شمس‌الدین قطابی مشرقی (متوفی ۸۱۲) بود.^۸ با آنکه شهرت عمده‌اش در خط نستعلیق است، اما خطوط دیگر را استادانه‌تر می‌نوشت.^۹

میرزا جعفر پیش از پیوستن به دربار بایسنقر میرزا در تبریز، در دربار میرانشاه‌بن تیمور به سر می‌برد.^{۱۰} اما درحقیقت تربیت یافته دربار شاهرخ تیموری^{۱۱} و طرف توجه و علاقه خاص پسر او بایسنقر میرزا بود. زیرا سمت استادی دبستان او را بعهده داشت.^{۱۲} میرزا جعفر در یکی از حجره‌های کاخ چهلستون متعلق به بایسنقر میرزا کتابت



تشکیل شده است. عنوان بیشتر قسمت‌ها طلایی و به خط رقع است که داخل مستطیل گذاشته شده، و به نقش‌های زرین اسلیمی مزین است. عنوان‌های دیگر با خط سفید نوشته شده و داخل مستطیل‌های لاجوردی رنگ است. در برخی از برگ‌ها بخشی از ابیات در قاب مربع و مزین به نقش‌های اسلیمی طلایی رنگ به سبک چلیپا نگارش یافته است. ارزش و اهمیت این شاهنامه به دلیل هنرهایی مانند کتابت، صفحه‌آرایی، جدول‌کشی، تذهیب و تصویر است که در تحریر و آرایش آن به کار رفته است. این کتاب یکی از بهترین نمونه‌های صنعت کتاب‌سازی در تاریخ هنر اسلامی است، از این رو در اینجا به مهمترین جنبه‌های هنری آن اشاره می‌شود.

جدول‌کشی و صفحه‌آرایی:

دور هر صفحه با نهایت دقت و ظرافت جدول‌کشی شده است. هر جدول شش خط افقی و عمودی دارد که خط لاجوردی اول از پنج خط دیگر درشت‌تر و فاصلهٔ میان چهار خط ریز طلایی در فاصله‌های مساوی ترسیم و با قلم مرکب تحریر شده است. فاصله میان ابیات با طلائندازی دندان‌دار، معروف به دندان‌موشی، و با طرح‌های گوناگون متمایز شده است. جدول‌سازی این کتاب در نوع خود بسیار کامل و به «جدول مرصع» معروف است. استاد جدول‌کشی، خواجه عطا نام داشته و جعفر بایسنقری در گزارش به بایسنقر میرزا از او نام برده است.^{۳۱} جلد شاهنامهٔ بایسنقری معروف به سوخت است که پوشهٔ درونی آن از متن تا حاشیه، طرح لچک و ترنج معرق است. برای تهیهٔ آن تکه‌های چرم نازک از پوست بره یا آهو نقش بر از روی طرح تذهیب بریده شده و بر سطح مقوای پوشیده از میشن قهوه‌ای چسبانیده شده است.^{۳۲}

در متن این قسمت طرح ترنج در وسط و چهار لچک در چهار گوشه و چهار نیم لچک در کناره‌ها بر روی زمینه لاجوردی دیده می‌شود. معرق‌کاری و حاشیه نیز به همان رنگ و شیوهٔ متن است. طرح حاشیه مستطیل شکل است که از دو سو، عرض آنها را نیم‌دایره تشکیل می‌دهد و فاصلهٔ آنها با لوزی‌های کوچک‌کی که اضلاع آن به شکل نیم دایره است پر می‌شود.

طرح‌های تذهیب قلم‌زنی بر فلز، طرح تذهیب زراندود (معروف به ضریبی طلاپوش)، نقوش اسلیمی و هنر گل و بوته‌سازی، از جمله هنرهای تزیینی است که در تذهیب حاشیه صفحات شاهنامه بایسنقری به کار رفته است.

در گزارش جعفر بایسنقری، از استاد قوام‌الدین تبریزی به عنوان یکی از سازندگان جلد شاهنامه یاد شده است. او به حکم بایسنقر میرزا از تبریز به هرات آمده و به جلدسازی مشغول شده بود. قوام‌الدین از سرآمدان هنر تجلید به شمار رفته است.^{۳۳}

بایسنقر جعفر بن علی تبریزی،

مؤلف «شاهنامهٔ بایسنقری»

در یکی از حجره‌های

کاخ چهلستون

متعلق به بایسنقر

کتابت می‌کرد و

سرآمد چهل کتاب

و خوشنویس

کتابخانه او بود

تذهیب:

شاهنامه بایسنقر دارای یازده تذهیب می‌باشد که از حیث درخشندگی و فخامت در اوج این هنر است. نخستین تذهیب در پشت صفحهٔ اول شاهنامه، شمسای بزرگ است که معمولاً در پشت

کتاب‌های سلطنتی ترسیم می‌شده و داخل آن شرح مختصری به خط طلائی رقع دربارهٔ ترتیب و ترتیب کتاب برای خزانه بایسنقر نوشته شده است. داخل شمشه دو دایره تابیده به هم به فاصله یک سانتیمتر با گره منور از یکدیگر مجزا شده و دایره وسط شمشه که نام بایسنقر در آن نوشته شده است.^{۳۴}

تذهیب دوم و سوم به قطر نیم بند انگشت، گرداگرد دو صفحه مصور شکارگاه را فرا گرفته و با جدولی، از قسمت باریک‌تر آن که به گل ریشه‌های رنگین مزین است، جدا می‌شود و به متن بر از تصویر شکوه خاصی می‌بخشد. تذهیب چهارم و پنجم در دو صفحه روبرو قرار دارد که به رنگ لاجوردی با نقش‌های اسلیمی و نوشته‌هایی بر زمینهٔ طلائی است و مطلبی که در پیشانی تذهیب‌ها و دایرهٔ چین‌دار دالبری وسط نوشته شده، تشبیه شعر فردوسی به جواهر نفیس است.

تذهیب ششم و هفتم در دو صفحه مشابه و همانند است که گرداگرد پیشگفتار، نقشبندی شده و بر پیشانی و دامن هر برگ یک سطر مطلب به خط

کوفی سپیدرنگ نوشته شده است.

گل‌ریسه‌های قطاربنندی شده که با خطوط جدول از متن جدا می‌شود، متن را احاطه کرده و خود با تذهیب محصور شده است.

تذهیب هشتم و نهم در دو صفحه روبروی هم مانند تذهیب‌های سوم و چهارم است، البته در طرح حاشیه اصلی و در متن با آن اندکی اختلاف دارد. نام شاهان افسانه‌ای و تاریخی ایران از کیومرث تا یزدگرد سوم در متن این دو صفحه و داخل دایره‌های گره خورده به هم با خط سپیدرنگ بر زمینه منقش و زراندود نوشته شده است.

تصویر:

تصویرهای شاهنامه بایسنقری در مقایسه با چند شاهنامه مصور و معروف موجود، از لحاظ دقت در طراحی، روشنی ترکیب، سلیقه در صحنه‌آرایی و بهره‌گیری از رنگ‌های جذاب و چشم‌نواز، در سطح عالی هنری است. از مقایسه تصویرهای شاهنامه بایسنقری با سه تصویر از شاهنامه‌ای که متعلق به قرن هشتم و به احتمال زیاد منسوب به جلال‌ایران است و در استانبول نگهداری می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که تخیل و اندیشه حماسی و نوعی تقلید زبردستانه از آن تصاویر با قدرت طراحی، فخامت هنری و مهارت در قلم‌گیری به دوره تیموری انتقال یافته است.

تصاویر شاهنامه مصور مورخ ۸۳۸، که در شیراز برای سلطان ابراهیم پسر شاهرخ فراهم شده و در کتابخانه بولدیان در آکسفورد نگهداری می‌شود، و تصاویر شاهنامه مصور مورخ ۸۴۳ که برای محمد جوکی پسر شاهرخ حاکم بلخ تهیه شده،^{۱۹} از لحاظ عظمت کار و مایه هنری، به پایه شاهنامه بایسنقری نمی‌رسد.^{۲۰} شاهنامه مصور معروف به شاه طهماسبی (یا هوتن) نیز که در زمان شاه طهماسب صفوی (۹۲۰-۹۸۴) تهیه شده و از لحاظ تصویر غنی‌تر از نسخه بایسنقری است، شکوه‌مندی و درخشندگی نسخه بایسنقری را ندارد؛ البته در تصویرهای نسخه شاه طهماسبی، شباهت‌ها به سبب تغییر سبک نقاشی بیشتر ایرانی است تا مغولی.

نخستین تصویر شاهنامه بایسنقری ۲۱ صحنه دارد که شرح برخی از آنها در سطور زیر آمده است. منظره‌ای از شکارگاه سلطنتی در دو صفحه روبرو وجود دارد، بایسنقر بر اسب سپیدی سوار است و سه تن از گماشتگان، سوار بر اسب، پشت سر او دیده می‌شوند و یکی از آن سه، چتر نگارینی بالای سر شاهزاده نگه داشته است. در برابر بایسنقر، دو جوان، چند شکارچی در حال شکار و دو رامشگر در حال نواختن دیده می‌شوند.^{۲۱} در این صحنه رنگ‌های مختلف شنگرف و زنگار و آبی و آخزایی و سیر به نحو بسیار دلپذیر و با رعایت قاعده تند و کند (سیر و

روشن) به کار گرفته شده و زمینه که منقش به گیاهان و گل‌های رنگارنگ صحرایی است، به رنگ سپید نشان داده شده است. در این رنگارنگی و نگارگری از آب طلا (حلاکاری) زیاد استفاده شده است، چنانکه هوا زراندود و تزئین جامه‌ها و ترکش‌ها و زین و برگ‌ها، همه با نقوش طلائی نمایان است. نازک‌قلمی و مهارت در طرح و دقت در ساخت و ساز و تجسم بخشیدن به حرکات و رنگ‌آمیزی این دو صفحه استادانه است. و جلوه و شکوه ویژه‌ای به بیننده القا می‌کند، خاصه این که در هر صفحه از سه سو تذهیب زیننده‌ای آن را آراسته است.

سومین تصویر، مجلس هم‌نشینی شعر می‌باشد. بنا به روایت مشهور، عنصری و فرخی و عسجدی کنار جویباری پوشیده از گل‌های رنگارنگ نشسته‌اند در حالی که فردوسی به سوی آنان می‌خرامد و یکی از شاعران پیش آمده از او می‌پرسد که کیست و چه کاره است؟

در این مجلس که تقریباً یک ثلث صفحه را دربرگرفته زمینه کار مانند تصویر نخستین (شکارگاه) پر از گل و گیاه است و دواصله درخت در کنار جوی، روبروی هم قد برافراشته‌اند و دو خدمتگزار یکی صراحی به دست و دیگری جام در کف به نزد شاعران می‌آیند. در این تصویر کشیدگی و ظرافت اندام در اشخاص ایستاده و حالت درونی آنان به گونه‌ای دلپسند نمایان است. نگرانی دو تن نشسته که ناشناسی سرزده به نزدشان می‌آید، بخوبی معلوم است و آن دیگری که به تفحص احوال شخص ناشناس رفته، گویی به فردوسی می‌گوید که اگر شاعری بیا و گرنه بازگرد! این تصویر از جهت شاعرانه جلوه دادن آن،

یکی از عوامل

تجدید رونق خطوط متداول

در ایران قرن نهم

وجود میرزا جعفر بود

زیرا او با تربیت شاگردانی

در انواع خطوط،

به توسعه و پیشرفت

خطاطی در ایران

کمک کرد

تناسب اندازه صحنه با شمار اشخاص تناسب رنگ‌ها و تجسم بخشیدن به گویایی تصویر از اصل داستان درخور تحسین است. در این مجلس آسمان دیده نمی‌شود ولی جویباری ماریچ که رنگ سیمین آن به مرور سیاه شده در صحنه جلب توجه می‌کند.^{۲۲}

چهارمین تصویر کتاب، در نیمی از یک صفحه راجع به پادشاهی جمشید است که در کتیبه لاجوردی منقوش بالای تصویر به خط سفیداب رنگ: جمله «پادشاهی جمشید هفتصد سال بود» نوشته شده است. جمشید بر تخت شاهی روی بالشی زردوز نشسته و بازدار او شهبازی را به وی تقدیم می‌کند. یکی از ملازمانش نیز در کنار تخت ایستاده است. در این صحنه پیشه‌وران و صنعت‌گران سرگرم کارهای مختلف از قبیل آهنگری، درودگری، خیاطی و چرخ‌ریسی می‌باشند.^{۲۳} چهره جمشید در این مجلس همان قیافه بایسنقر است که نقاشان بنا بر معمول هنگام صحنه‌پردازی، صورت هر پادشاهی را در چهره پادشاه عصر خود مجسم می‌کرده‌اند. رنگ‌های این تصویر ملایم‌تر از رنگ‌های صحنه شکارگاه است. ولی تحرک پیشه‌ورانه در افراد کاملاً مشهود است.

پنجمین تصویر با عنوان (بند کردن فریدون ضحاک را به کوه دماوند) قسمتی از متن صفحه و حاشیه را فراگرفته است.

فریدون با وزیرش بر اسب سوار بوده و چتر شاهی به دست کسی که در صحنه پیدا نیست، بر بالای سرش افزاشته شده است. دو تن فرمانبر، دست و پای ضحاک را در حالی که او نیمه عربان است و دو مار از شانه‌هایش سر بر کشیده‌اند گرفته و در کوه دماوند می‌خکوب می‌کنند.^{۲۴} در این تصویر توجه نگارگر بیشتر معطوف به کوه‌سازی و پرداختن به درختان کوهستانی بوده است که با رنگ‌آمیزی متناسب کوه را به گونه تخت تخت ترسیم کرده است. پرواز پرنندگان و تصویر درختان کوه با لطافت خاصی که منحصر به هنر نگارگری است از خیال‌انگیزی و دلاویزی خاصی برخوردار است.

ششمین تصویر، مجلس دیدار زال و رودابه می‌باشد. در این نگارگری زال و رودابه در رامشگاهی یکدیگر را در کنار گرفته‌اند و در آن حال سه رامشگر با چنگ و دف و نی مشغول نوازندگی هستند. در تصویر بساط خوردنی و نوشیدنی گسترده است و دو خدمتکار در حال پذیرایی هستند.^{۲۵} این تصویر نیمی از صفحه را دربرگرفته و بر بالای آن یک مستطیل منقوش لاجوردی با خط سفیداب رنگ کتیبه شده است: «دین زال و رودابه یکدیگر را».

در تصویر فوق خانه‌ای است که دیوار سبز کنگره‌دار آن گرداگرد عمارت کشیده شده و آجرهای مستطیل شکل آن به گونه متوازی بدنه‌اش را پوشانیده است. زیر کنگره روی باریکه لاجوردی رنگ دورتادور خانه به خط ثلث سفیداب رنگ نوشته شده است: «امر ببناء هذه العماره، السلطان الاعظم والخاقان الاعدل الاکرم غیاث السلطنة والذین بایسنقر بهادرخان خلدالله ملکه»

نکته جالب در این تصویر دیوارسازی و درسازی عمارت است که با ظرافت، کاشیکاری و تجاری شده

است. موضوع هفتمین تصویر که بیشترین قسمت صفحه را فراگرفته «نیوشیدن کیکاوس سرود رامشگر دیو را در ستایش مازندران» است.^{۳۳} در این مجلس کیکاوس بر بالشی زرانود روی تختی که منقش به نقوش طلائی اسلیمی است نشسته و عده‌ای از ملازمان او با جامه‌های مزین و فاخر در صحنه حاضر هستند. دو رامشگر نیز در تصویر دیده می‌شود. درختان زیادی هم در صحنه یافت می‌شود. ویژگی کلی مشهود در تصاویر و مجالس شاهنامه بایسنقری به قرار زیر می‌باشد:

۱- تزئین صحنه با گل‌های ظریف رنگارنگ در زمینه کار و استفاده از طلائی محلول در جامه‌ها و بندۀ تخت‌ها و بر گستوان اسب‌ها و نقش و نگار دیوارها.

۲- هواسازی (آسمان نمای) گاه طلائی و گاه

طرح‌های تذهیب،

قلم‌زنی بر فلز،

طرح تذهیب زرانود

(معروف به ضربی طلاپوش)،

نقوش اسلیمی و هنر گل و

بوته‌سازی، از جمله هنرهای

تزئینی است که

در تذهیب حاشیه

صفحات شاهنامه بایسنقری

به کار رفته است

لاجوردی است و برخلاف معمول تکه‌های ابر در آسمان جز اندکی در تصویر نهم (کشتن سیاوش) دیده نمی‌شود.

۳- پرندگان در بیشتر لوحه‌ها با رنگ‌های گوناگون در حالت‌های مختلف و بیشتر در حال پرواز نشان داده می‌شوند.

۴- تنوع در ترسیم و طراحی مجالس از جهت خلوت بودن یا شلوغی آن.

۵- بهره‌گیری شایسته از سرسبزی و شکوفه‌باری درختان در لوحه‌ها و توجه به درخت‌سازی در شکل‌های گوناگون.

۶- صف‌آرایی سواران جنگاور با پوشش‌ها و سلاح‌های جنگی مزین و نقوش طلائی در برابر هم به شیوه‌ای حماسی و با شکوه: تصویر دهم (به کمند آوردن رستم سر خاقان چین را).

۷- انتخاب رنگ زمینه (بوم) متنوع بوده و در هر لوحه به تناسب نقش موردنظر متفاوت است.

۸- در کوه‌سازی از رویش درختان کاج کوتاه قد و کندۀ درختان ساده در جای جای کوه بهره‌گیری و

رنگ‌آمیزی شده است: تصویر پنجم (بند کردن فریدون ضحاک را در کوه) و دوازدهم (رزم گودرز با پیران) و چهاردهم (آگه شدن لهراسب از ناپدید شدن کیخسرو) و هیجدهم (سپردن یزگرد پسر خود بهرام را به منذر)

۹- در چند لوحه خروج نقش از متن به حاشیه که در واقع متصل به اصل داستان است و بر جلال و تنوع کار افزوده است.

۱۰- دیوارسازی زیورآگین و معرق‌کاری و کاشی‌کاری و سردرنگاری با گل و بته و ستون‌های بلند منقوش و در و پنجره‌سازی مشبک و گستردن فرش‌های خوش‌نقشۀ فاخر همچون تصویر ششم (دیدن زال رودابه را) و بیست و یکم (بجای آوردن بزرگمهر بازی شطرنج را)

۱۱- نقش‌بندی قلعه و ساختمان و سر در عمارت و کنگره‌سازی بناها با تزئینات باشکوه و کتیبه‌نگاری دیوارها به خط ثلث سپیدرنگ بر زمینه لاجوردی همچون: تصویر چهاردهم (کشتن اسفندیار ارجاسب را در درون کاخ او) و شانزدهم (گریستن فرامرز بر سر تابوت رستم)

۱۲- جامه‌سازی دو تکه، رنگارنگ از پارچه‌های زری و زریشان، و ساختن کلاخودها و زرها و تیردان‌ها و سپرهای طلائی.

۱۳- در صحنه‌های جنگی و شکارگاه تصویر اسب‌ها به رنگ‌های سیاه، خاکستری، سپید، قهوه‌ای، خاکی و نارنجی و تریاکی با زین و برگ و لگام زرنگار به حالت ایستاده و در حالت تاخت و تاز ترسیم شده و زیبایی طبیعی اسب نشان داده می‌شود و در صف سواران تقابل و توازن رنگ‌ها مراعات شده است، چنانکه در جنگ تن به تن، اسب هر یک از دو سوار به رنگی خاص و مناسب مجسم شده است.

۱۴- قطع نظر از طراحی عالی و تقسیم‌بندی صحیح و حالت بخشیدن به تصاویر توجه به تزئینات و درخشندگی نقش در نگارگری‌ها به حدی است که هیچ پدیده‌ای در عین لطافت بدون زیور از زیر قلم نقاش بیرون نمی‌آید و تصاویر منقش به نقش‌های زرانود و بی‌نظیر است.

در تصاویر شاهنامه بایسنقری ظرافت‌کاری‌های فنی و ترکیب اجزا و ابتکار در طراحی و تلفیق رنگ‌ها، زیبا و خیال‌انگیز است.^{۳۳}

برخی از تصاویر، نقشمایه‌های چهره‌سازی و حتی معماری از گنجه‌های پیشین یا معاصر خود تأثیر پذیرفته و تغییر و تکامل یافته است، و نیز در جنگ برنسون مورخ ۸۳۰ (ای تاتی، فلورانس، مجموعه برنسون) می‌توان همانندی برای آن یافت.^{۳۳}

تذهیب‌ها و نگارگری‌های این شاهنامه فاقد رقم نقاش بوده و نقش‌آفرینان آن را باید در میان نگارگران و مذهبان دربار بایسنقر میرزا جست‌وجو کرد که نام عده‌ای از آنان عبارت‌اند از سیداحمد نقاش، علی مصور، خلیل مصور، ولی‌الله، سیمی

نیشابوری، مولانا شهاب، سیف‌الدین، غیاث‌الدین و کمال مذهب.^{۳۵}

پی‌نوشت‌ها:

۱. بیانی، مهدی: احوال و آثار خوشنویسان، ج ۱، تهران، ۱۳۶۳، ص ۱۱۸.
۲. همان، ص ۱۱۵.
۳. همان، ص ۱۱۴.
۴. همان، ص ۱۱۵.
۵. فضائی، حبیب‌الله: اطلس خط، اصفهان، ۱۳۵۰، ص ۴۵۶.
۶. منشی قمی، احمدین حسین: گلستان هنر، چاپ احمد سهیلی خوانساری، تهران، ۱۳۵۹، ص ۱۶.
۷. فضائی، همان.
۸. همان، صص ۳۲۴-۴۵۷ و بیانی، پیشین، ص ۱۱۶.
۹. همان، ص ۳۲۴، همان ص ۱۱۸.
۱۰. بیانی، همان، ص ۱۱۵.
۱۱. فضائی، همان، ص ۳۲۲.
۱۲. عالی افندی، مصطفی‌بن احمد: مناقب هنروران، ترجمه و تحشیه توفیق، تهران، ۱۳۶۹، ص ۵۹.
۱۳. منشی قمی، همان، ص ۳۷.
۱۴. عالی افندی، همان، ص ۵: دولت‌شاه سمرقندی، تذکره‌الشعراء، چاپ محمد عباسی، تهران، ۱۳۳۷، ص ۳۹۰.
۱۵. فضائی، همان، صص ۲۶-۲۲۵.
۱۶. همان، ص ۴۵۷.
۱۷. بیانی، همان، ص ۱۲۲.
۱۸. همان، ص ۱۲۰.
۱۹. همان، ص ۱۱۶.
۲۰. فردوسی، ابوالقاسم: شاهنامه فردوسی، از روی نسخه خطی بایسنقری، کتابخانه کاخ گلستان، ۱۳۷۱، ص ۹.
۲۱. کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی: احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی، ج ۱، لندن، ۱۳۶۲-۱۳۷۰، ص ۸۷-۹۰.
۲۲. از تقریرات شفاهی حسین خطائی، استاد سوخت در تابلو و جلد.
۲۳. کریم‌زاده تبریزی، همان، ص ۸۹، و ج ۲، ص ۵۳۶.
۲۴. نسخه خطی بایسنقری، ص ۲.
۲۵. انجمن سلطنتی آسیایی لندن، نسخه خطی شماره ۲۳۹.
۲۶. دایرة‌المعارف ایرانیکا، ذیل واژه "Bayson gorishah nam".
۲۷. نسخه خطی بایسنقری، صص ۳ و ۴.
۲۸. همان، ص ۱۳.
۲۹. همان، ص ۳۱.
۳۰. همان، ص ۴۰.
۳۱. همان، ص ۶۲.
۳۲. همان، ص ۹۲.
۳۳. دانش‌نامه جهان اسلام، ج ۲، تهران، ۱۳۷۵، ص ۲۰۵.
۳۴. دایرة‌المعارف ایرانیکا، همان.
۳۵. منشی قمی، همان، ص ۳۹.